

نگاهی نو به معیار نفقه زوجه در فرض اعسار زوج

رضا دهقان نژاد^۱، حمید مسجدرائی^۲، حسن پورلطف اله^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۷)

چکیده

صرفنظر از وجوب نفقه زوجه بر عهده زوج، معیار و ملاک تعیین نفقه زوجه، خاستگاه اختلاف نظر فقهی می‌باشد؛ به طوری که مشهور فقیهان، ملاک را به طور مطلق، شأن امثال «زوجه» در محل زندگی او می‌دانند. دیدگاه دوم، ملاک تعیین نفقه را شأن و وضعیت «زوجین» و دیدگاه سوم، ملاک را شأن و وضعیت «زوج» دانسته است. تحقیق حاضر ضمن تحلیل و بازخوانی مبانی اقوال موجود و نیز با بهره‌گیری از مستندات فقهی، در حکم فقهی مسأله، قائل به تفصیل شده و با لحاظ شرایط اقتصادی زوجین، به نظری تلفیقی از دیدگاه سوم و مشهور قائل شده است؛ بدین شیوه که در فرض همسانی شأن و موقعیت اجتماعی خانواده زوجین یا متمول بودن زوج، ملاک تعیین نفقه را شأن و موقعیت اجتماعی زن دانسته اما در فرض عدم همسانی موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین - به گونه‌ای که خانواده زوج، متمول و زوج، فقیر و معسر باشد - ملاک تعیین نفقه زوجه، وضعیت اقتصادی زوج است. راه‌آورد این نظریه تفصیلی، به پیشنهاد اصلاح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی که به تبع قول مشهور فقیهان، به نحو اطلاق، شأن زوجه را ملاک تعیین نفقه قرار داده است، منجر شده است.

واژگان کلیدی: اعسار زوج، شأن زوج، شأن زوجه، تعیین نفقه.

۱. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛

Email: Ac.dehghannezhad@azaruniv.ac.ir

۲. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، (نویسنده مسئول)؛

Email: h_masjedsaraie@semnan.ac.ir

۳. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان؛

Email: h.pourlotfollah@semnan.ac.ir

بیان مسأله

پرداخت نفقه به زن، تکلیفی است که به عهده مرد قرار گرفته و به همین دلیل، وی موظف است همه مخارج و هزینه های زندگی زوجه را تأمین کند. البته در قبال پرداخت نفقه، زن هم موظف است که از همسر خود تمکین نماید. قانون گذار برای زنانی که به انجام امور خانه، برقراری آرامش در محیط خانه، تربیت فرزندان و انجام اموری که برای حفظ خانواده ضروری است مشغولند، این حق مالی را در نظر گرفته است و مردان را به اعطای این حق، مکلف نموده و راه های قانونی ای برای زنانی که همسر آنها نفقه پرداخت نمی کنند، پیش بینی کرده است.

البته ماده ۱۱۰۶ ق.م.ا تنها نفقه زوجه در عقد دائم را پیش بینی کرده است و حکمی در خصوص الزام به پرداخت نفقه در عقد موقت پیش بینی نشده است. به علاوه این که بر اساس ماده ۱۱۱۳ ق.م.ا «در عقد موقت، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده باشد یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد».

گذشته از این که در خصوص اصل وجوب پرداخت نفقه زن بر شوهر، اختلافی به چشم نمی خورد اما پیرامون این سؤال که مقدار پرداخت نفقه زوجه، از چه معیار و ملاکی پیروی می کند و اساساً چگونه می توان در عصر امروزی و با لحاظ جمیع شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میزان پرداخت نفقه را ضابطه مند کرد و چه شرایطی را باید دخیل دانست کمتر مطمح نظر یک تحلیل علمی قرار گرفته است.

در مواردی که زوجین از لحاظ وضعیت اجتماعی و اقتصادی همسان باشند، اختلافی در معیار و ملاک تعیین نفقه زوجه وجود ندارد؛ چرا که در فرض موسر بودن زوجین، نفقه ایسار و در فرض معسر بودن هر دو، نفقه اعسار پرداخت می شود [۴۹، ج ۲، ص ۳۹۱]، اما مسأله مورد بحث، ناظر به مواردی است که یکی از زوجین موسر و دیگری معسر بوده باشد، در چنین شرایطی در باره این که نفقه زوجه بر اساس چه معیار و ملاکی تعیین می گردد؟ محل خلاف بین فقیهان است. نوشتار حاضر سعی دارد ضمن ذکر اقوال موجود و تحلیل و بازخوانی مبانی فقهی آنها، با بهره گیری از مستندات موجود، با نگاهی نو به تحلیل و بررسی حکم فقهی مسأله بپردازد.

پیشینه تحقیق

از نظر پیشینه تحقیق، حسب استقراء نویسندگان، در باره نفقه، مصادیق، گستره و معیار

۱. «در عقد دائم، نفقه زن بر عهده شوهر است»

و ملاک آن، چهار مقاله به رشته تحریر درآمده است. مقاله علمی پژوهشی تحت عنوان «معیار تعیین نفقه زوجه در فقه امامیه و حقوق مدنی» است که با نویسندگان سربازیان و برزگر در مجله مطالعات حقوقی ۱۳۹۶ چاپ شده است. در این مقاله ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی تبیین و تحلیل شده و ضمن تایید قول مشهور و محتوای ماده مذکور (به طور کلی معیار بودن وضعیت زن) به این دلیل که از سوی قانون گذار برخی اصول قانون نویسی در این ماده رعایت نشده، پیشنهاد اصلاح داده شده است. مقاله علمی ترویجی: «واکاوی فقهی در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی» نویسندگان کاظم پور فرد و جمشیدی شهمیری، در مجله فقه و حقوق خانواده سال ۱۳۹۰، نیز عمده مباحث آن به مصادیق نفقه اختصاص یافته و فقط دو قول مشهور و غیر مشهور درباره ملاک نفقه را بدون تحلیل و بررسی نقل نموده است. مقاله دیگر علمی ترویجی با عنوان «معیار نفقه زوجه»، نویسندگان نیازی ورمضانی؛ سال ۱۳۹۵ در همان مجله چاپ شده است که در سه صفحه با استناد به برخی دلایل و فتاوا، ملاک نفقه را به طور کلی بدون توجه به تمکن یا عدم تمکن مالی مرد، شأن و موقعیت اجتماعی او معرفی نموده است.

همچنین مقاله علمی تخصصی «گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه واجب زوجه در مذاهب خمسسه»؛ نویسنده اسدیگی، نسرین در مجله مطالعات قرآنی نامه جامعه سال ۱۳۹۷، نیز بیشتر به مقدار نفقه پرداخته و اقوال برخی از فقها را درباره ملاک تعیین نفقه نقل و ادله برخی از آنها را بدون تحلیل و بررسی لازم اشاره کرده است.

در حالی که مقاله حاضر ضمن تحلیل و نقد مبانی هر سه قول موجود، در حکم فقهی مسأله، با استناد به ادله و شواهد محکم و نو، قائل به تفصیل شده و با لحاظ شرایط اقتصادی زوجین، به نظری تلفیقی از دیدگاه سوم و مشهور قائل شده است؛ ثمره عملی این دیدگاه نو، حفظ عزت و آبروی همسر و تحکیم بنیاد خانواده که مورد اهتمام شارع است، می باشد.

۱- دیدگاه فقها درباره ملاک تعیین نفقه

در متون فقهی پیرامون این مسأله، سه دیدگاه فقهی مطرح شده است:

۱-۱- دیدگاه اول: وضعیت زن و ادله آن

اکثر فقهای امامیه با عبارتی چون «لعاده أمثالها من أهل البلد» و مشابه آن [۴۵، ج ۲،

ص ۲۹۳؛ ۳۲، ج ۴، ص ۲۹؛ ۳۶، ج ۲، ص ۲۹۷؛ ۲۴، ج ۵، ص ۴۶۹؛ ۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ ۴۲، ج ۲، ص ۴۷۳؛ معیار تعیین نفقه همسر را، شأن و عادت امثال آن زن، در محل زندگی می‌دانند. و به تبع آن، قانونگذار عرفی نیز در قانون مدنی با پذیرش این دیدگاه، معیار تعیین نفقه زن را براساس وضعیت زن و عادت امثال او در شهری که زندگی می‌کنند، دانسته است.

به عنوان مثال، صاحب شرائع می‌نویسد: «ضابطه مقدار نفقه، این است که آن‌چه را زن از قبیل خوراک، خورش، پوشاک، مسکن، خدمتکار و ابزار روغن مالی بدان نیاز دارد، به تبعیت از عادت امثال وی در شهری که زندگی می‌کنند، پرداخت گردد» [۴۵، ج ۲، ص ۲۹۳]. فیض کاشانی نیز گفته است: «نظر مشهور فقیهان این است که ضابطه نفقه زوجه، برآورده ساختن چیزهایی که زن به آن احتیاج دارد از خوراک، پوشاک، مسکن، خدمتکار، ابزار نظافت براساس عادت امثال آن زن، از نظر جنس و مقدارش در شهری که زندگی می‌کنند. به دلیل معاشرت به معروف و انفاق به معروف و غیر از این، در شرع برای نفقه مقداری معین نشده است و بر اساس حکم عرف می‌باشد» [۳۶، ج ۲، ص ۲۹۷].

قانون‌گذار نیز به تبعیت از نظر مشهور فقها در ماده ۱۱۰۷ ق.م. مقرر می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض»، روشن است که قانون‌گذار نیز به نحو اطلاق، وضعیت زن را ملاک تعیین نفقه دانسته و وضعیت مرد را از لحاظ تمکن مالی و غیر آن مدنظر قرار نداده است. دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۲۳/۲۹۲ این نظر را به شرح زیر تایید کرده است: «ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی کیفیت نفقه را که بر عهده شوهر است به طریق متناسب با وضعیت زن مقرر داشته و در صورت عادت داشتن زن به داشتن خادم یا احتیاج به هزینه بیشتر برای مسکن و غذا در این صورت حق مطالبه آن را از شوهر خواهد داشت» [۲۷، ص ۱۴۶].

قول مشهور برای اثبات مدعای خود به دلایل مختلفی استناد جسته‌اند که عمده‌ترین آنها به شرح ذیل است:

۱-۱-۱. مقتضای اطلاق ادله وجوب نفقه

یکی از مهم‌ترین ادله قول مشهور، اطلاق ادله وجوب انفاق در قرآن و سنت می‌باشد. از

این‌رو، مازندرانی در شرح تحریر الوسیله می‌نویسد: « عمده دلیل بر این قول، مقتضای ادله وجوب انفاق است. زیرا ملاک وجوب نفقه، سدّ خله و رفع نیاز است. بر این اساس انفاق باید به قدر کفایت متناسب با شأن منفقّ علیه و نوع نیاز باشد و مرجع تشخیص آن نیز بر اساس عرف و عادت است [۴۳، ص ۳۸۱] تبیین استدلال بدین‌سان است که طبق نظر مشهور فقیهان، آیاتی همچون «الرّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النّساءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، [نساء، ۳۴] و «وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، [بقره، ۲۳۳] و «لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْتِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا آلًا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» [طلاق، ۷] همچنین آیه «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» [طلاق، ۶]، به طور مطلق بر وجوب پرداخت نفقه زن از سوی شوهر دلالت می‌نماید و چگونگی تفسیر آن نیز بر عهده عرف و عادات جامعه است که نفقه را براساس شأن زن تعیین می‌کنند [۹، ج ۲۵، ص ۱۲۰؛ ۳۴، ص ۵۸۸؛ ۴۸، ج ۵، ص ۳۱۳؛ ۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ ۱۷، ج ۲۵، ص ۲۸۷ و ۳۰۰].

همچنین قائلین این دیدگاه برای اثبات این قول، به ظواهر و اطلاق روایات زیادی که در این خصوص وارد شده، تمسک کرده‌اند [۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ ۹، ج ۲۵، ص ۱۱۹؛ ۱۷، ج ۲۵، ص ۲۹۸] همچون روایت معتبر فضیل بن یسار از امام صادق (ع) در تفسیر آیه «وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْتِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» است که فرمودند: «إِنْ أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يَقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كَسْوَةٍ وَ آلًا فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا: إِنْ خَوَّرَ كَمْرًا رَاسِتًا كُنْتُ وَ نِيزَ أَوْ رَا بِيُوشَانَدَ (وُظِيْفَهْ خُودَ رَا اِنْجَامَ دَاوَه) وَآلًا بَايْدَ مِيَاَنَ اَنْ دُو رَا (بِهْ طَلَاَق) جَدَا سَاخْت» [۱۳، ج ۲۱، ص ۵۰۹].

یا روایت معتبره ابوبصیر از امام باقر (ع) که می‌فرماید: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ فَلَمْ يَكْسِبْهَا مَا يُوَارِي عَوْرَتَهَا وَ يَطْعَمُهَا مَا يَقِيمُ صَلْبَهَا كَانَتْ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَفْرُقَ بَيْنَهُمَا» [۱۳، ج ۲۱، ص ۵۱۰] با این مضمون تقریبی که هر کس دارای همسری باشد که با لباس مناسبی او را نمی‌پوشاند و خوراک درستی به او نمی‌دهد، حاکم این استحقاق را دارد که طلاق او را از مرد بگیرد، و از یک دیگر جداایشان سازد. همچنین در حدیث دیگر از امام صادق (ع) از حق زن بر مرد سؤال شد که حضرت در پاسخ فرمودند: «أَنْ يَشْبِعَ بَطْنَهَا وَ يَكْسُو جَنْبَهَا: شَكْمَ زَنْشَ رَا سِيرَ غَرْدَانَدَ وَ يِكْرَشَ رَا بِيُوشَانَدَ» [۱۳، ج ۲۱، ص ۵۱۰].

بنابراین قائلین این دیدگاه، با استناد به اطلاق آیات و روایات وارده، بر این باورند که معیار تعیین نفقه زوجه، به عرف و عادت امثال آن زن، یا به عبارت دیگر وضعیت و شان

عرفی زن در آن محل واگذار شده است. البته فارغ از استناد به اطلاق ادله فوق، برخی از صاحب‌نظران همچون صاحب جواهر از نکات ادبی برخی از این آیات و روایات نیز برای اثبات این قول استفاده کرده و معتقدند: اضافه شدن کلمات «رزق» و «کسوت» در آیه فوق، به ضمیر «هن» و همچنین «ستر عورت» و «سدّ جوع» به ضمیر «هاء» در حدیث، می‌رساند که میزان نفقه باید با توجه به شأن زن تعیین شود [۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۲].

از آنجا که در روایت شهاب بن عبد ربّه، نسبت به بعضی از مصادیق نفقه، مانند طعام و لباس، اندازه‌ای ذکر شده - و بدین مضمون تقریبی آمده است: «از امام صادق علیه السلام، سؤال کردم حق زن بر همسرش چیست؟ فرمودند: گرسنگی او را برطرف ساخته و بدن او را بپوشاند و آبروی او را خدشه دار نکند. پس اگر این کار را بکند پس قسم به خدا، حق همسرش را ادا کرده است. گفتم پس (اندازه) روغن؟ فرمودند: یک روز در میان؛ روزی باشد و روزی نه. گفتم (اندازه) گوشت؟ فرمودند: در هر سه روز (یک بار)، پس در ماه، ده بار نه بیشتر از آن و (اندازه) رنگرزی، در هر شش ماه (یک بار) و (از حیث البسه) در هر سال، چهار (نوع) لباس می‌پوشد؛ دو لباس برای زمستان و دو لباس برای تابستان. و نباید خانه اش را از سه چیز خالی بگذارد: روغن سر، سرکه و روغن زیتون. و از حیث خوراک، به اندازه یک مدّ می‌باشد...» [۱۳، ج ۲۱، ص ۵۱۴] - ممکن است این اشکال مطرح شود که روایت مذکور، با روایات استنادی مشهور تعارض داشته و یا موجب تقیید روایاتی می‌شود که مشهور به اطلاق آنها استناد کرده و مقدار نفقه زن را در هر حال، مطابق عرف و عادت امثال آن زن در محل زندگی می‌دانند. در پاسخ می‌توان گفت که در برخی از متون فقهی به این اشکال توجه شده و این دسته از روایات، یا بر استحباب حمل شده [۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۰؛ ۳۴، ص ۵۸۸] و یا این که بر عادت زنان در آن زمان حمل شده است که نمی‌توان از آنها کلیت حکم را در هر عصر و زمانی استفاده نمود [۹، ج ۲۵، ص ۱۲۲؛ ۱۷، ج ۲۵، ص ۲۹۹] چرا که خود شارع نیز در بسیاری از موارد نه به عنوان شارع، بلکه به عنوان یکی از افراد جامعه حکم موضوعی را بیان می‌کرد [۴۸، ج ۵، ص ۳۱۴].

نقد و بررسی

مهم‌ترین اشکال وارده به استنادات فوق الذکر، این است که مطابق نظر برخی از صاحب‌نظران و مفسرین نمی‌توان برای اثبات نفقه زوجه، به آیات مذکور، استناد جست؛ چراکه

آنان بر این نظر هستند که آیات مذکور، در مقام تبیین نفقه زوجه نیستند، بلکه در مقام بیان اجرت زنان شیرده یا نفقه زنان مطلقه رجعی و یا هر دو هستند. مثلاً صاحب تفسیر آلاء الرحمن ذیل آیه «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ»، می‌نویسد: «ظاهراً اختلافی وجود ندارد که رزق و پوشش، کنایه از اجرت ذکر شده در آیه ششم سوره طلاق است» [۱۰، ج ۱، ص ۲۱۰] یعنی ناظر به نفقه زنان مطلقه رجعی است که موضوع آیه شش سوره طلاق می‌باشد. و برخی دیگر از مفسرین نیز، آیات مذکور را مختص زنان شیرده یا مطلقه رجعی در حال عدّه و یا هر دو قلمداد کرده‌اند [۲۹، ج ۱۰، ص ۴۶۵؛ ۱۲، ج ۳، ص ۶۹۷؛ ۱، ج ۱، ص ۵۴۰؛ ۴۶، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ۲۱، ص ۷۵؛ ۴۰، ج ۱، ص ۳۷۲؛ ۲۸، ج ۱۹، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ ۵۰، ج ۲۴، ص ۲۴۷-۲۴۹].

در پاسخ به اشکال مذکور می‌توان گفت گرچه برخی از مفسرین آیات مذکور را به نفقه زوجه تفسیر نکرده‌اند. اما در مقابل، برخی دیگر از مفسرین و بسیاری از فقها از آیات مذکور، نفقه زوجه را به طور عام استفاده کرده و فتوا داده‌اند [۳۵، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ۲۰، ج ۵، ص ۹۴؛ ۳۰، ج ۶، ص ۱۳-۷؛ ۱۷، ج ۲۵، ص ۳۰۰؛ ۳۷، ج ۲، ص ۱۱۹؛ ۵۴، ج ۳۱، ص ۳۰۲؛ ۹، ج ۲۵، ص ۱۲۰؛ ۸، ج ۱۰، ص ۸۵؛ ۱۱، ج ۶، ص ۲۶۳؛ ۳۴، ص ۵۸۸] ضمناً در برخی از احادیث در تفسیر نفقه زوجه، به همین آیه ۷ سوره طلاق استناد شده [۴۱، ج ۵، ص ۵۱۳] و در برخی دیگر از احادیث نیز همچون روایت دعائم در نقل خطبه الوداع: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله خطب فی حجه الوداع فذکر النساء فقال: و لهنّ علیکم رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف» [۲۲، ج ۲۵، ص ۷۹۹۷] به این موضوع تصریح شده است.

اشکال دیگری که ممکن است بر این دیدگاه وارد شود آن است که براساس برخی از احادیث - که قبلاً اشاره شد - نفقه زوجه به عباراتی چون «ما یقیم صلیها» [۴۱، ج ۵، ص ۵۱۳] و «ما یقیم ظهرها» [۲۶، ج ۳، ص ۴۴۲] و مانند آن مقید شده است، بنابراین معیار پرداخت نفقه، به اندازه نیاز زن می‌باشد نه براساس شأن و وضعیّت زن، و مرد بیشتر از آن، تکلیفی ندارد مگر این که زن، مزاج خاصی داشته باشد که بدون رعایت آن موجب ضرر گردد [۴، ص ۲۸۳-۲۸۷] در پاسخ این اشکال گفتنی است همان طور که برخی از صاحب نظران نیز متذکر شدند [۱۸، ج ۲، ص ۳۶۲] عبارات مذکور و یا عبارات مشابه - مانند «سدّ الخله»، و «رفع الحاجه» - که در برخی از روایات مربوط به نفقه زوجه ذکر شده، با در نظر گرفتن شأن زن و مکانی که در آن زندگی می‌کند، مطرح شده است؛ از این رو اشکال وارده چندان وارد به نظر نمی‌رسد.

۲-۱-۱. قاعده معاشرت به معروف

دومین دلیل قول مشهور، استناد به آیه ۱۹ سوره نساء «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» است؛ چراکه این آیه، همه جهات، خصوصیات، زمان‌ها و مکان‌ها و حالات و سایر موارد نفقه را شامل می‌شود [۱۷، ج ۲۵، ص ۲۹۸] و انفاق متعارف مطابق با شأن زن را از مصادیق معاشرت به معروف، یا به دلالت آن می‌دانند [۲۴، ج ۵، ص ۴۶۹؛ ۳۶، ج ۲، ص ۲۹۷] برخی از فقها به استناد همین آیه و نیز آیه «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيَّهِنَّ»، مطالبه مسکن جداگانه متعارف از سوی زن را از مصادیق معاشرت بالمعروف دانسته‌اند؛ زیرا براساس این آیه، حق زن است که چنین مسکنی را مطالبه نماید [۱۷، ج ۲۵، ص ۳۰۱] حتی برخی از کسانی که قائل به قول اول نیستند، مانند شیخ طوسی، در معیار لزوم یا عدم لزوم خادم برای زوجه به همین آیه شریفه استناد نموده‌اند که باید متعارف امثال زن را مورد ملاحظه قرار داد [۳۰، ج ۶، ص ۴] گرچه برخی از فقها دلالت آیه «معاشرت بالمعروف» بر نفقه زن بیش از نیاز وی را بر استحباب حمل کرده‌اند [۴، ص ۲۸۴].

۳-۱-۱. اجماع

برخی دیگر از فقها، برای اثبات ملاک بودن شأن زن در تعیین نفقه پرداختی، ادعای «اجماع» مطرح کرده [۵۴، ج ۳۱، ص ۳۳۱] و یا با عبارت «لا خلاف فی ذلک و لا إشکال»، نفی هر گونه خلاف و اشکال نموده‌اند [۴۳، ص ۳۸۱] و برخی دیگر نیز به «سیره متشرعه» و «سیره عقلاء» تمسک کرده‌اند [۱۷، ج ۲۵، ص ۲۹۸].

نقد و بررسی

اولاً، با وجود مخالف برخی دیگر از فقها همچون شیخ طوسی با دیدگاه فوق، اجماع ادعایی اساساً قابل تحقق نیست. ثانیاً، در فرض تحقق چنین اجماعی، با وجود آیات و روایات متعددی که مورد استناد قائلین این دیدگاه واقع شده، اجماع ادعایی، در واقع اجماع مدرکی محسوب شده و صلاحیت اثبات مدعا، به عنوان دلیل را ندارد.

مسئله دیگری که بر فرض پذیرش این قول، ممکن است مطرح شود، این که، اگر زن بنا به دلایلی مانند بیماری، مثلاً در نوع خوراک، عادتش با عادت امثال وی متفاوت باشد، در چنین شرایطی، مطابق قول مشهور، آیا بر شوهر مراعات عادت امثال وی واجب است یا حال شخصی وی؟ در پاسخ چنین سؤالی گفتنی است همان‌طور که برخی از

صاحب‌نظران نیز متذکر شده‌اند [۳۴، ص ۵۸۸] با توجه به لزوم انفاق بر زوجه براساس آیه (وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ) که رزق به زوجه اضافه شده نه ازواج که منصرف به عادت امثال او شود، مخصوصاً اگر زوج عالم به عادت شخصی وی باشد، رعایت حال شخصی زوجه بر زوج واجب می‌باشد.

با بررسی تفصیلی دیدگاه نخست به همراه ادله آن، می‌توان گفت: هرچند که با لحاظ ادله اولیه، قول مشهور تقریباً از نقطه قوت برخوردار بوده و مورد پذیرش قانون‌گذار در ماده ۱۱۰۷ ق.م. و وحدت رویه‌ی آن قرار گرفته است؛ اما عمده نقد وارده به قول مشهور آن است که لازمه قول مذکور این است که اگر زوجه، تمثیلاً به خادم عادت داشته باشد، مرد لاجرم حتی در فرض عدم توانایی مالی و دچار عسر و حرج شدن، موظف به تهیه آن است؛ و اگر به هر دلیلی این وظیفه را انجام ندهد، زن حق تقاضای طلاق خواهد داشت، حال آن که این موجب تزلزل و عدم استحکام بنیاد خانواده می‌شود که کاملاً مغایر با مذاق شارع مقدس است [۲۳، ص ۱۳۴] و فارغ از اشکال فوق، از لحاظ عقلی، عرفی و اخلاقی نیز زنی که با یک مرد دارای امکانات مالی پایین تر ازدواج می‌کند، در واقع به طور ضمنی، شرایط اقتصادی مرد را پذیرفته و نمی‌تواند همان امکاناتی را که در خانه پدر داشته، از شوهر فقیر خود مطالبه نماید. و چندان دور از ذهن نیست که همین محذورات مذکور، موجب گردیده که برخی از اندیشمندان علم فقه با اعراض از قول مشهور، ملاک تعیین نفقه زوجه را حال زوجین دانسته‌اند که به عنوان دیدگاه دوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. دیدگاه دوم: معیار بودن وضعیّت زوجین و ادله آن

قول دیگر آن است که برای تعیین مقدار نفقه، باید وضعیّت زوجین را ملاک قرار داد. [۱۹، ص ۱۵۴؛ ۲۸، ج ۲، ص ۲۴۱] مثلاً سلار دیلمی می‌نویسد: «نفقه واجب، عبارت است از: تهیه خوراک و پوشاک و مسکن به اندازه زوجه و (مراعات) حال زوج با عدالت و خدمتگزاری» [۱۹، ص ۱۵۴] یکی از فقهای معاصر نیز در پاسخ به سؤال حدود و ثغور وظائف شوهر در مورد نفقه زن می‌گوید: «بر شوهر واجب است نفقه زن را از خوراک و پوشاک و مسکن و دارو و سایر لوازم زندگی متعارف به نحوی که مناسب شأن اجتماعی او، به اعتبار همسرش بپردازد نه به اعتبار پدرش»^۱ همچنین وی در پاسخ به سؤال

مشابه می‌نویسد: «میزان نفقه به مقدار متعارف و مناسب با شئون مرد و زن می‌باشد»^۱ از اهل سنت نیز فقهای مالکی و حنبلی و حنفی در برخی از اقوال خود، قائل به این دیدگاه هستند [۱۶، ج ۴، ص ۴۹۳-۴۹۴] و ملاک وضعیت زوجین، در تعیین مقدار نفقه، بدان معناست که اگر یکی از زوجین موسر و دیگری معسر باشد، نفقه متعادل با توجه حال هر دو، در نظر گرفته می‌شود. یعنی اگر زوج، معسر باشد و زوجه فقیر، نفقه متعادل به این معنی است که بالاتر از وضعیت زوجه و پایین‌تر از حال زوج، واجب می‌شود و همچنین اگر زوجه، غنی باشد و زوج فقیر، زوج براساس توانایی خود نفقه را پرداخت می‌کند و مابقی به عنوان دین بر ذمه وی باقی می‌ماند [۱۶، ج ۴، ص ۴۹۳-۴۹۴].

یکی از حقوقدانان نیز در این خصوص می‌نویسد: «هرچند در ماده ۱۱۰۷ اصلاح شده نیز ملاک تعیین نفقه تنها وضع زن قرار داده شده است، ولی به نظر می‌رسد که موقعیت وضع مالی شوهر نیز باید موردنظر باشد؛ زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند؛ بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند. همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده ای ازدواج کند، نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد. پس باید پذیرفت که مقصود از «وضعیت زن» وضع روحی و جسمی او در خانواده است. از مفاد ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده نیز می‌توان لزوم توجه به وضع مالی و اجتماعی طرفین را استنباط کرد، زیرا به موجب آن: «... دادگاه ... میزان نفقه ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین ... معین می‌کند ...» [۳۹، ص ۱۷۴].

این دیدگاه نیز به دلایل متعددی تمسک کرده است که ذیلاً مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۱. آیه ۱۹ سوره نساء

مهمترین دلیل این گروه، آیه ۱۹ سوره نساء «عاشروهنّ بالمعروف» است که مطابق این دیدگاه، مراد از معروف، مراعات حال هر یک از زوجین از لحاظ توانایی و عدم توانایی مالی است. مثلاً مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر واژه «معروف» در آیه ۲۳۳ سوره بقره، می‌گوید: «مراد از «معروف»، اقدام به آنچه که متعارف با حال زوج و زوجه است و حکم این آیه با عموم حکم آیه شریفه «لا تکلف نفس الّا وسعها» برای رفع حکم عسر و حرج تعلیل شده است» [۲۸، ج ۲، ص ۲۴۱].

نقد و بررسی

اشکال وارده بر دلیل مذکور آن است که افزون بر این که برخی از فقها دلالت آیه «معاشرت بالمعروف» بر نفقه بیش از نیاز زن را، حمل بر استحباب کرده‌اند [۴، ص ۲۸۴] استدلال به آیه فوق جهت اثبات این دیدگاه، ادعای بدون دلیل است؛ بدان جهت که اولاً، دلیلی بر این که معنای واژه «معروف» در آیه فوق، رعایت حال زوجین می‌باشد، ارائه نشده است. ثانیاً، بعضی از فقها کلمه معروف را به آنچه که «شایسته» است و عرف هم مصداقش را تشخیص می‌دهد، معنا کرده‌اند [۲۲، ج ۲۵، ص ۷۹۹۷] بدیهی است که شایسته بودن از منظر عرف، همواره به معنای رعایت حال زوجین نمی‌باشد. برای همین است که نمی‌توان لحاظ کردن وضعیت هر دو را به عرف در همه جوامع نسبت داد؛ چراکه عرف در اماکن و جوامع مختلف ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه داشته باشد.

۱-۲-۲. آیه ۷ سوره طلاق

دلیل دیگر، آیه هفتم سوره طلاق می‌باشد. که در این آیه شریفه، در میزان انفاق کردن، وضعیت اقتصادی زوج را مد نظر قرار داده و به وضعیت زوجه اشاره‌ای نکرده است. از سوی دیگر، در حدیث پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به هند بنت عتبه زن ابوسفیان که از بخل و عدم پرداخت نفقه به وی شکایت و حکم برداشتن مال او از بابت نفقه پرسیده بود، فرمودند: «از مال او به اندازه معروف، بگونه‌ای که خودت و فرزندت را کفایت نماید، بگیر»، در اینجا نیز ملاک تعیین نفقه، وضعیت زوجه است نه زوج، حال جمع بین مفاد دو دلیل فوق، اقتضاء می‌کند که با رعایت حال زوجین، به هر دو نص فوق عمل شود [۱۵، ص ۱۱۰].

نقد و بررسی

استدلال به این دلیل برای اثبات دیدگاه دوم، مخدوش می‌باشد؛ زیرا اولاً، آیه مذکور، براساس حال زوج، نفقه را مطرح کرده است. ثانیاً روایت نیز نمی‌تواند مورد استدلال قرار گیرد؛ زیرا در منابع حدیثی شیعی ذکر نشده و در منابع اهل سنت آمده است. بنابراین از حیث سندی محلّ مناقشه است. و از سوی دیگر، ممکن است اذن پیامبر(ص) برای برداشت هزینه نفقه از مال شوهر بدون اذن وی، از باب تقاص بوده که به مقدار متیقّن اکتفا شده است [۵۵، ص ۱۴۳].

۱-۲-۳. عمل به حکم عقل

دلیل دیگری که برای این دیدگاه در منابع اهل سنت ذکر شده، عمل به اقتضای حکم عقل است. بدین سان که مراعات حال زوجین از نظر عقلی، سهل الوصول تر است تا مراعات حال زوجه، از این رو به زیان زوج نیز نمی‌انجامد [۱۵، ص ۱۱۱] یعنی از آن جهت که، ملاک قرار دادن وضعیت اقتصادی زوجین موجب ایجاد تعادل در پرداخت نفقه برای زوجین با ملاحظه شأن هر دو می‌شود، مطابق با حکم عقل است.

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد دلیل فوق نیز قابل نقد می‌باشد؛ بدان جهت که ممکن است بگوییم عقل حاکم به این است که زوج با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت مالی زوجه، با اختیار خود اقدام به وصلت با او کرده است در واقع شأن و وضعیت مادی زوجه را پذیرفته و متعهد به پرداخت نفقه زوجه مطابق با حال او شده است؛ از این رو استدلال فوق چندان محمل صحیحی ندارد.

۱-۳. دیدگاه سوم: ملاک قرار دادن وضعیت زوج و ادله آن

برخی دیگر از فقها معتقدند که ملاک تعیین نفقه زوجه، شأن و توانایی مالی زوج است. بدین صورت که اگر مرد از حیث اقتصادی متمول باشد، ولی زن اینگونه نباشد، مرد مکلف است براساس توانایی خود به طور متعارف نفقه پرداخت کند و اگر بالعکس باشد، مرد بیشتر از توانایی خود تکلیفی ندارد.

از طرفداران سرسخت این دیدگاه، مرحوم شیخ طوسی است که تصریح می‌دارد: «نفقه همسران بر اساس حال زوج است نه حال زوجه، پس اگر زوج، موسر و توانگر باشد، نفقه‌ای که بر عهده اوست برای هر روزش دو مد است و اگر متوسط و متجمل باشد برای هر روزش یک مد و نصف باید نفقه بدهد و اگر معسر باشد به اندازه مد است» [۳۰، ج ۶، ص ۶]؛ در واقع، مطابق نظر شیخ طوسی، ملاک تعیین مقدار نفقه زوجه، وضعیت اقتصادی زوج است؛ یعنی با لحاظ وضعیت اقتصادی زوج، نفقه زوجه تعیین می‌شود. و صاحب الانوار اللوامع نیز این قول را مقتضای جمع بین آیات مربوطه و دیگر ادله، و مطابق با حکمت و قول قوی اعلام می‌کند [۸، ج ۱۰، ص ۸۵] قطب الدین راوندی نیز معتقد است زوج بیشتر از امکان مالی خود در پرداخت نفقه مکلف نیست [۳۷، ج ۲، ص ۱۲۰].

۱-۳-۱. مبانی فقهی دیدگاه سوم

در بیان دلیل این دیدگاه آمده است: آیاتی چون «فَاسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق، ۶) و «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق، ۷) ملاک تعیین نفقه زوجه را حال زوج می‌داند نه زوجه، و مؤیدش این است که با جمله «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» تأکید شده است؛ چراکه اگر حال زوجه ملاک باشد (نه زوج)، در فرضی که زوجه متمول و زوج معسر بوده باشد، منجر به تکلیف به مالایطاق می‌شود [۳۵، ج ۲، ص ۲۱۹] که مغایر با مفاد این آیه شریفه است.

فیض کاشانی نیز بعد از نقل نظر مشهور فقها مبنی بر اینکه معیار تعیین نفقه، نیاز زوجه مطابق عادت امثال او در شهر محل زندگی براساس دلالت آیه معاشرت و انفاق به معروف می‌باشد؛ قولی را نیز این چنین بیان می‌کند: «و یحتمل اعتبار حال الزوج، لقوله تعالی «محتمل است با توجه به آیه شریفه فوق، در تعیین مقدار نفقه، حال زوج مورد اعتبار قرار گیرد» [۳۶، ج ۲، ص ۲۹۸] و صاحب الانوار اللوامع نیز این قول را مقتضای جمع بین آیات مربوطه و دیگر ادله، و مطابق با حکمت و قول قوی اعلام می‌کند [۸، ج ۱۰، ص ۸۵].

همچنین محقق اردبیلی با استناد به آیات «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ» و «مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ»، بر این نظر است که شوهر بر اساس میزان توانایی مالی و متعارف با امثال خود، انفاق می‌دهد و مکلف به تکلیف اغنیا نیست البته نباید کمتر از حد توانایی مالی خود انفاق کند؛ چرا که آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» بر این موضوع دلالت خوبی دارد و از نظر عقلی هم تکلیف بمالایطاق از خداوند متعال محال است [۵، ص ۵۴۱].

از فقهای اهل سنت نیز، شافعیه در طعام و لباس حال زوج و در مسکن حال زوجه را معیار تعیین نفقه می‌دانند به این دلیل که در اولی تملیک صورت می‌گیرد ولی در دومی امتناع، بنابراین چیزی را می‌تواند تملیک کند که توانایی داشته باشد اما در مسکن اینطور نیست [۱۶، ج ۴، ص ۴۹۳-۴۹۴] همچنین گروهی از حنفی‌ها با استناد به آیات ۷ سوره طلاق و ۱۸ سوره نساء و حدیثی در مورد هند بنت عتبه و همسر ابوسفیان، حال زوج را معیار دانسته [۴۴، ج ۱۱، ص ۴۲۳] و پرداخت نفقه برحسب حالات زوج را از مصادیق معاشرت به معروف می‌دانند [۱۵، ص ۱۱۱] لازم به ذکر است که در قوانین

برخی از کشورهای اسلامی مانند مصر نیز ملاک تعیین نفقه براساس شرایط مالی زوج است [۴۹، ج ۲، ص ۳۹۱].
 عمده دلیل قائلین این دیدگاه، آیه ۷ سوره طلاق است که البته طبق نظر برخی از قائلین این دیدگاه، آیه ۶ همین سوره نیز مورد استناد قرار گرفته است.

۱-۳-۲. نقد و بررسی

با توجه به دلایل و شواهد ذیل، مبانی فقهی این دیدگاه نیز از جهات مختلف قابل خدشه است:

اولاً: آیات مذکور نمی‌تواند ادعای طرفداران این قول را اثبات نماید؛ چون در آیه ۶ سوره طلاق از ضرر زدن به زوجه نهی شده است؛ اگر حال زوج را معیار قرار دهیم در برخی از مواقع مانند زمانی که زوج فقیر و زوجه غنی باشد، زوجه متضرر خواهد شد و این برخلاف مدلول آیه می‌باشد. جمله «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» در آیه ۷ سوره طلاق نیز قابل تقیید است؛ بدین بیان که آنچه در حال حاضر، قادر به پرداخت نفقه زن براساس عادت امثال اوست، انجام می‌دهد و بقیه آن به صورت دین بر ذمه او باقی می‌ماند؛ و برای همین است که در آخر آیه آمده است: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» [۳۵، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۰]. شاید این اشکال مطرح شود که مفاد آیه شریفه، مطابق حکم عقل است و احکام عقلی قابل تقیید و تخصیص نیست. در پاسخ می‌توان گفت: حدود حکم عقل مبنی بر عدم تعلق تکلیف به ما لایطاق، ناظر به تکلیف فعلی است نه تکلیف دینی که منجر به این اشکال شود. از این‌رو، نقد وارده به مبانی دیدگاه فوق، موجه به نظر می‌رسد.

ثانیاً: افزون بر آن برخی از مفسرین براین نظر هستند که آیه ۷ سوره طلاق برای تعیین نفقه زوجه نیست، گاهی برخی از اصحاب امام صادق (ع) پیش امام تا وقت غذا می‌ماندند و حضرت برایشان غذاهای متفاوتی در روزهای مختلف می‌آوردند، یکی از اصحاب دلیل این مساله را پرسیدند و حضرت در تفسیر این آیه می‌فرمودند براساس وسع و ضیق این کار را می‌کنیم [۴۷، ج ۱، ص ۳۵۸].

ثالثاً: عقل، عرف و اخلاق هم حکم می‌کند اگر مردی متمول با زنی فقیر ازدواج بکند، باید همه نیازهای متعارف زن را براساس شأن اجتماعی او برآورده سازد و نمی‌تواند به این دلیل، نفقه فقیرانه پرداخت نماید. چرا که وقتی زنی با یک مردی دارای امکانات مالی ازدواج می‌کند، به احتمال زیاد امکانات مالی وی در پذیرش خواستگاری او

دخالت زیادی داشته است. آری در صورت اعسار و عدم توانایی مالی مرد، ملاک وضعیت مرد است و زن باید صبر و مدارا نماید. بر این اساس سخن برخی از فقها مبنی بر این که اگر مرد اهل بادیه باشد و زن اهل قصر، واجب است مرد برای زنش قصر تهیه کند و اگر بر عکس باشد، مرد می‌تواند کوخ تهیه کند و زن حق مطالبه قصر را ندارد؛ [۱۷، ج ۲۵، ص ۳۰۲] به دلیل مخالفت با معاشرت به معروف و عرف و اخلاق قابل پذیرش نمی‌باشد.

۳. دیدگاه مختار: قول به تفصیل و ادله آن

دیدگاه دیگری که در این مسأله می‌توان مطرح ساخت تفصیل حکم مسأله با توجه به ادله اولیه و ثانویه است؛ بدین بیان که در شرایط عادی که وضعیت اقتصادی زوج بالاتر از زوجه است یا با وضعیت زوجه برابر و همسان است، در چنین شرایطی با توجه به ادله استنادی مشهور که از اتقان قابل قبولی برخوردارند ملاک تعیین مقدار نفقه، وضعیت و شأن زوجه است. اما گاه پیش می‌آید که توازن اقتصادی بین زن و شوهر وجود ندارد بگونه‌ای که زن در خانواده متمول و مرفه پرورش یافته است اما برعکس شوهر، فرد تنگدست و فقیر بوده یا بعداً معسر شده، که طبعاً رعایت شأن زن، متناسب با وضعیت زندگی شوهر و در توان مالی وی نیست که در چنین شرایطی می‌توان با استناد به ادله ثانویه شارع مقدس، ملاک و معیار میزان نفقه را شأن و وضع اقتصادی امثال این شوهر قرار داد.

ناگفته نماند که برخی از صاحب نظران نیز در فرض اعسار زوج، وضعیت اقتصادی او را معیار تعیین نفقه زوجه قرار داده و در حال اعسار، لزوم پرداخت نفقه زاید بر توان زوج را ساقط دانسته‌اند [۳۵، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ۳، ص ۲۸۶]. البته ضمن منصفانه و معقول دانستن این دیدگاه که در فرض اعسار و تنگدستی زوج، وضعیت اقتصادی وی ملاک تعیین نفقه زوجه قرار گیرد؛ اما این بدین معنی نیست که مقدار زاید نفقه، از زوج ساقط می‌گردد، بلکه می‌توان مقدار زاید نفقه را حمل بر ذمه زوج نمود.

برای اثبات قول مختار، ادله و مستندات وجود دارد که به شرح ذیل، مورد ذکر و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. عرف و اراده عموم

از یک سو، به جهت اطلاق اکثر آیات و روایات متضمن حکم نفقه، مشهور فقیهان، برای تعیین مقدار نفقه، عرف را معیار و ملاک قرار می‌دهند [۴۸، ج ۵، ص ۳۱۴؛ ۲، ج ۲،

ص ۳۴۳] بدیهی است که نظر عرف که برگرفته از خرد جمعی است میزان نفقه را با توجه به وضعیت اقتصادی زوجین در محلی که زندگی می‌کنند، مورد ارزیابی قرار می‌دهد، بدین سان که در فرض همسانی وضعیت اقتصادی زوجین یا متمول بودن هر دو و همچنین در صورت متمول بودن مرد، عرف جامعه، شأن و وضعیت امثال زوجه را ملاک تعیین نفقه قرار می‌دهد چرا که، با توجه به توان مالی شوهر برای پرداخت نفقه همسرش از یک سو، و اقدام اختیاری وی جهت ازدواج با امثال این زوجه که نوعی پذیرش شرایط زندگی او است از سوی دیگر، مقتضی است که شأن و وضعیت زن معیار و ملاک تعیین نفقه باشد. اما بر عکس، در مواردی که زوج یک شخص تنگدست و فقیر و لو به صورت عارضی، و زوجه در خانواده متمول تربیت یافته باشد، در چنین شرایطی از آن جا که، ملاک قرار دادن وضعیت خانوادگی زوجه و تکلیف زوج به پرداخت نفقه متناسب با شأن ایشان، از یک سو، حکم غیر منصفانه و نوعی اجحاف در حق زوج بوده، و از سویی تکلیف زوج به یک تکلیف بمالایطاق می‌باشد که زوج قدرت امتثال آن را ندارد؛ چنین حکمی چندان مورد پسند عرف و اراده عموم نیست؛ بلکه عرف در چنین شرایطی جهت امکان عملی پرداخت نفقه، وضعیت اقتصادی زوج را ملاک قرار می‌دهد.

۲-۳. اهتمام به حفظ عزت و آبروی مؤمن

دلیل دیگری که می‌توان برای این دیدگاه مطرح کرد، حرمت اذلال و ایذاء شخص مومن است. [۲۵، ج ۶، ص ۲۷۹] بدین سان که در فرضی که زوج تنگدست و فقیر و خانواده زوجه متمول است اگر با ملاک قرار دادن شأن زوجه، زوج را مکلف به پرداخت نفقه او کنیم از آنجا که زوج فاقد توانایی مالی متناسب با شأن زوجه است چنین تکلیفی نوعی ایذاء و اذلال شخص مؤمن است که عمل حرام می‌باشد؛ پس در چنین شرایطی برای حفظ عزت و آبروی مؤمن، سزاوار است که با لحاظ وضعیت اقتصادی زوج، وی را مکلف به پرداخت نفقه زوجه نماییم. و از سوی دیگر، می‌توان گفت بعد از ازدواج و تشکیل نهاد خانواده، معقول این است که شأن و وضعیت زوجه را با لحاظ وضعیت اقتصادی زوج که زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ارزیابی کرد، نه خانواده پدری زوجه؛ در چنین حالتی، شوهری که فقیر و تنگدست است شأن و وضعیت زوجه نیز این است که با قناعت و متناسب با وضعیت اقتصادی زوج زندگی کند. مؤید این مدعا، نظر شهید صدر است [نک: ۲۵، ج ۶، ص ۲۷۹]؛ در واقع مطابق این استدلال، از یک سو، از آنجا که اذلال

و ایذاء مومنین حرام است، تکلیف شخص تنگدست و فقیر به پرداخت نفقه همسرش به بیش از توان دارایی او، نوعی ایذاء و اذلال شخص مومن است که مقتضی است در چنین شرایطی، وضعیت زوج ملاک و معیار تعیین نفقه قرار گیرد. و از سوی دیگر، بعد از تشکیل نهاد خانواده، معقول و منطقی این است که شأن و وضعیت زوجه را با وضعیت اقتصادی زوج که زیر یک سقف زندگی می‌کنند، مورد لحاظ قرار داد نه خانواده پدری زوجه که دخالتی در زندگی زوجین ندارد.

۳-۳. تعدیل احکام اولیه شارع مقدس با عروض عناوین ثانویه

احکام تشریحی اسلام از یک جنبه، به احکام اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود [۶، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ۳۳، ج ۱، ص ۳۲؛ ۵۳، ج ۱، ص ۲۳۵] و یکی از مصادیق بارز و گسترده عناوین ثانویه که موجب تغییر دامنه احکام اولیه می‌شود، عنوان ضرر و یا عسر و حرج است که فارغ از دلایل نقلی (چون آیات و روایات) علی‌الخصوص حدیث نبوی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» [۲۶، ج ۴، ص ۳۳۴] حکم عقل و بنای عقلاء نیز پشتوانه محکمی برای این قاعده محسوب می‌شود، به گونه‌ای که مدلول این قاعده، جزو مستقلات عقلیه است [۳۱، ج ۲، ص ۲۲۹] زیرا که عقل و منطق، به طور بدیهی حکم می‌کند که، اگر قانونی از اضرار به غیر جلوگیری نکند، زندگی جمعی نه تنها دشوار، بلکه ناممکن خواهد شد [۵۶، ص ۴۶] و وجه تقدم قاعده لاضرر و یا لاحرج بر احکام اولیه شارع، از باب حکومت می‌باشد که با تغییر و تضییق دامنه احکام اولی به غیر موارد ضرری و حرجی، بر اطلاعات و عمومات ادله احکام اولی، با حکومت تضییقی در جانب محمول، مقدم می‌شود [۶، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ۳۳، ج ۱، ص ۳۲؛ ۵۳، ج ۱، ص ۲۳۵].

حال در مسأله مورد بحث، می‌توان گفت که این حکم، از احکام اولیه شارع مقدس است که ناظر به مواردی است که شأن و وضعیت اقتصادی زوج و زوجه همسان بوده و یا زوج، شخص متمولی می‌باشد که قادر به پرداخت نفقه در شأن زوجه است؛ اما تعمیم این حکم به مواردی که وضعیت اقتصادی شوهر و همسر همسان نبوده است، چندان قابل پذیرش و مشروع به نظر نمی‌رسد؛ چرا که در چنین شرایطی که زوج فاقد توان مالی در شأن زوجه است؛ تکلیف زوج به پرداخت نفقه زوجه در شأن او، نوعی اضرار به زوج و یا به عسر و حرج انداختن وی است که مقتضای ادله ثانویه شارع مقدس، تغییر و تعدیل دامنه احکام اولیه نفقه می‌باشد. بدین سان که، مقتضای ادله ثانویه این است که

فی الحال که شوهر فاقد توانایی و امکانات لازم مالی در حد شأن همسر است؛ می‌توان با لحاظ وضعیت اقتصادی و شأن زوج، میزان نفقه زوجه را تعیین کرد اما نفقه زاید بر آن - به‌گونه‌ای که در شأن امثال زوجه باشد - حمل بر ذمه زوج و ناظر به مواردی دانست که وضعیت اقتصادی مرد بهبود یافته و استطاعت مالی پرداخت نفقه زوجه در شان او را داشته باشد. بدیهی است با توجه به محذورات فوق، شیوه مذکور، معقول، متضمن صلاح هر یک از زوجین و موجب عدم تزلزل نهاد مقدس خانواده می‌شود.

۳-۴. اهتمام شارع مقدس به تحکیم بنیاد خانواده

نهاد خانواده در نظام حقوقی اسلام یک نهاد مقدس است، از این‌رو مذاق شارع مقدس همواره بر این تعلق گرفته که هر گونه اسبابی که موجب تزلزل بنیاد خانواده می‌شود از میان بردارد. یک نمونه جهت مؤید مدعا، مشروعیت نبخشیدن به خیار فسخ که لازمه همه عقود است، در عقد نکاح جهت استحکام بخشی به نهاد خانواده است. حال در مسأله مورد بحث، اگر قول مشهور را به طور مطلق بپذیریم اطلاق این حکم، گاه موجب محذوراتی می‌شود که بنیاد خانواده را متزلزل می‌سازد. یکی از این موارد، معسر بودن شوهر و یا همسان نبودن وضعیت اقتصادی زن و شوهر است؛ بدین بیان که اگر خانواده زوجه از طبقات اشراف جامعه بوده، ولی زوج شخص فقیر و تنگدست باشد بدیهی است که ملاک قرار دادن وضعیت و شأن زن، از آنجا که خارج از توان و استطاعت مالی شوهر است چه بسا ممکن است این موجب کشمکش و نارضایتی شوهر و در نهایت روی آوردن شوهر به طلاق باشد که این با مذاق شارع مقدس که هدفش استحکام بخشی به بنیاد خانواده است، همسو نیست.

۳-۵. تحلیل مسأله از منظر حکم عقل و اخلاق

از آنجا که احکام الهی به غیر از عبادات، به منظور تأمین مصالح دنیوی انسان‌ها وضع شده‌اند، اصل بر این است که این احکام، مبتنی بر مصالح و مفاسدی هستند که امکان درک آن برای عقل وجود دارد و توانایی عقل در کشف ملاکات احکام شرعی، دو اثر مهم در بر دارد: یکی امکان تعلیل و توجیه عقلانی احکام شرعی و به عبارت دیگر، دفاع عقلانی از دین، که این یک اثر کلامی است. دیگری اثر فقهی است و آن امکان تخصیص و تقیید احکام شرعی یا توسعه و تعمیم آن‌ها، بر اساس تغییر دایره مصالح و مفاسد

می‌باشد که یک اثر فقهی است [۱۴، ص ۶۷؛ نیز نک: ۵۲، ج ۲، ص ۳۸].

حال با پذیرش توانایی عقل، در درک عمده ملاکات احکام شرع در غیر تعبدیات، می‌توان گفت ملاک قرار دادن شأن و وضعیت زن در تعیین مقدار نفقه به طور مطلق - حتی در مواردی که شأن زن و مرد همسان نبوده به گونه که خانواده زن متمول و خانواده مرد فقیر و تنگدست است - دارای محذوراتی است که چندان مورد پذیرش عقل و سیره عقلاء نیست؛ بدان جهت که از یک سو، چون زوج فاقد توان مالی متناسب با زوجه است حکم به پرداخت نفقه متناسب با شأن خانواده زن، یک حکم ناعادلانه و غیرمنصفانه به نظر می‌رسد عقل، تشریح چنین حکمی را از ناحیه شارع مقدس، که مظهر عدالت و حکمت است و تمام احکام و دستوراتش نیز، مبتنی بر عدالت و حکمت بوده صحیح نمی‌داند. و از سوی دیگر، تکلیف زوج - که فاقد توان مالی در شأن زوج است - به پرداخت نفقه متناسب با شأن زوجه، تکلیف بمالایطاق و فوق استطاعت مرد است که عقل چنین تکلیفی را غیرمعقول و غیر منطقی محسوب می‌دارد و در چنین شرایطی ملاک قرار دادن وضعیت اقتصادی مرد را معقول و منطقی می‌داند. و از آنجا که شارع نیز، جزو عقلاء و بلکه رئیس عقلاء است پس طبق ملازمه موجود بین حکم عقل و شرع، این حکم عقلی می‌تواند مستنبت حکم شرعی نیز قرار گرفته و بر مشروعیت آن نیز دلالت نماید. و از سوی دیگر، چنین حکمی اخلاقاً هم چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ چرا که هدف از تشکیل خانواده، تأمین سکینه و آرامش زوجین و تکامل اخلاقی آن دو است که این هدف متعالی با تحت فشار و حرج قرار دادن زوج به چیزی که خارج از استطاعت وی است، هیچ تناسب و سنخیتی ندارد.

نتیجه‌گیری

با وجود اختلاف دیدگاه فقها پیرامون ملاک تعیین نفقه زوجه، بررسی ادله حاکی از این است که می‌توان در حکم فقهی مسأله قائل به تفصیل شد؛ بدین ترتیب که در فرض همسانی شأن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده زوجین یا متمول بودن زوج، ملاک تعیین نفقه، شأن و موقعیت اجتماعی زن است. اما بر عکس، در فرض عدم همسانی موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین به گونه‌ای که زوجه در خانواده متمول تربیت یافته و زوج، فرد فقیر و تنگدست باشد؛ ملاک و معیار تعیین نفقه را باید وضعیت اقتصادی مرد قرار داد. در واقع، این دیدگاه تفصیلی با توجه به شرایط اقتصادی زوجین،

تلفیقی از دیدگاه مشهور و دیدگاه سوم است؛ به طوری که از یک سو، در فرض همسانی خانواده زوجین یا متمول بودن زوج، دیدگاه مشهور را مبنی بر ملاک بودن شأن زوج پذیرفته است و از سوی دیگر، در فرض اعسار و تنگدستی زوج، دیدگاه سوم مبنی بر ملاک بودن شأن زوج را پذیرفته است. عمده ادله‌ای که نگارندگان را در طرح این دیدگاه تفصیلی رهنمون می‌سازد، مستندات است؛ چون عرف و ارده عموم، اهتمام شارع به حفظ عزت و آبروی مومن، اهتمام شارع به تحکیم بنیاد خانواده، تحلیل مسأله از نگاه عقلانی و نیز امکان تعدیل احکام اولیه شارع مقدس با عروض عناوین ثانویه می‌باشد.

پیشنهاد: با توجه به موجه‌تر بودن دیدگاه تفصیلی مختار، به قانونگذار عرفی، اصلاح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به این شکل پیشنهاد می‌شود: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض، که در فرض همسانی شأن زوجین یا متمول بودن زوج، وضعیت زن و در فرض عدم همسانی شأن زوجین، به طوری که خانواده زوج، متمول و زوج، فقیر و معسر باشد وضعیت اقتصادی زوج، ملاک تعیین نفقه می‌باشد.»

منابع

- [۱]. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۲]. ابن برآج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المهذب، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۳]. ابن حمزه، طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). الوسيله إلى نیل الفضیله، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی(ره).
- [۴]. اراکی، محمد علی (۱۴۱۳ق). رساله فی نفقه الزوجه، چاپ اول، قم، مؤسسه در راه حق.
- [۵]. اردبیلی(محقق)، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی أحكام القرآن، چاپ اول، تهران، المکتبه المرترضیه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- [۶]. انصاری(شیخ)، مرتضی (۱۴۱۱ق). المکاسب، جلد دوم، چاپ اول، قم، منشورات دار الذخائر.
- [۷]. اصفهانی، سید ابو الحسن (۱۴۲۲ق). وسیله النجاه، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- [۸]. بحرانی، آل عصفور، حسین بن محمد (بی تا). الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، جلد دهم، چاپ اول، قم، مجمع البحوث العلمیه.
- [۹]. بحرانی(آل عصفور)، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره، جلد بیست و پنج، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- [۱۰]. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، چاپ اول، قم، بنیاد بعثت.
- [۱۱]. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاه*، جلد ششم، قم، دار الصدیقه الشهبده.
- [۱۲]. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). *التفسیر الواضح*، چاپ دهم، بیروت، دار الجیل جدید.
- [۱۳]. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، جلد بیست و نهم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- [۱۴]. خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۸۰ش). *فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام*، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
- [۱۵]. جاسر، جوده علی العامی (۱۴۲۸ق). *نفقه الزوجه فی الفقه الاسلامی: فقهیه مقارنه مع قانون الاحوال الشخصیه الفلستینی*، اشراف: الدكتور شحاده سعید السویرکی، غزه، الجامعه الاسلامیه.
- [۱۶]. الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ق). *الفقه علی المذاهب الأربعة*، جلد چهارم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- [۱۷]. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحكام*، جلد بیست و پنج، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار.
- [۱۸]. سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا). *نظام النکاح فی الشریعه الإسلامیه الغراء*، جلد دوم، چاپ اول، قم، موسسه الامام الصادق(ع).
- [۱۹]. سلّار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویه و الأحکام النبویه*، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین.
- [۲۰]. شافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس (۱۴۱۰ق). *الأّم*، جلد پنجم، بیروت، دار المعرفه.
- [۲۱]. شبر، سید عبد الله (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن الکریم*، چاپ اول، بیروت، دار البلاغه.
- [۲۲]. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*، جلد بیست و پنجم، چاپ اول، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- [۲۳]. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷ش). *حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- [۲۴]. شهید ثانی(جبعی عاملی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهبه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، جلد پنجم، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
- [۲۵]. صدر، سید محمد (بی تا). *ماوراء الفقه*، جلد ششم، بیروت، دار الأضواء.
- [۲۶]. صدوق(شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، جلد سوم و چهارم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۷]. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۲ش). *مختصر حقوق خانواده*، چاپ سی و ششم، تهران، میزان.
- [۲۸]. طباطبائی(علامه)، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد دوم، چاپ پنجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۲۹]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد دهم، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- [۳۰]. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، جلد ششم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- [۳۱]. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق). *حقوق مدنی*، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- [۳۲]. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- [۳۳]. غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳). *منیه الطالب فی حاشیه مکاسب*، جلد اول، چاپ اول، تهران، المكتبه المحمديه.
- [۳۴]. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - النکاح*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- [۳۵]. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۲۵ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات مرتضوی.
- [۳۶]. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا). *مفاتیح الشرائع*، جلد دوم، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- [۳۷]. قطب الدین راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*، جلد دوم، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- [۳۸]. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). *تفسیر قمی*، چاپ چهارم، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
- [۳۹]. کاتوزیان ناصر (۱۳۹۴ش). *دوره حقوق مدنی، خانواده: جلد اول: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر*، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۴۰]. کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق). *زبدہ التفاسیر*، چاپ: اول، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، بی جا، بنیاد معارف اسلامی.
- [۴۱]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی*، جلد پنجم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۴۲]. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق). *هدایه العباد*، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم.
- [۴۳]. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۹ق). *دلیل تحریر الوسیله - أحكام الأسرة*، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- [۴۴]. الماوردی، علی بن محمد بن محمد بن حبیب (۱۴۱۴ق). *الحاوی فی فقه الشافعی*، بی جا، دار الکتب العلمیه.
- [۴۵]. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۴۶]. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۴۷]. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۴۸]. _____ (۱۴۲۱ق). *الف*، فقه الإمام الصادق علیه السلام، جلد پنجم، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان.
- [۴۹]. _____ (۱۴۲۱ق). *ب، الفقه علی المذاهب الخمسه*، جلد دوم، چاپ دهم، بیروت، دار التیار الجدید - دار الجواد.
- [۵۰]. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، نوبت چاپ: اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۵۱]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). *کتاب النکاح*، جلد ششم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- [۵۲]. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش). *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر صدرا.

- [۵۳]. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر الهادی.
- [۵۴]. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، جلد سی و یکم، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۵۵]. نیازی، قدرت الله، رضانی، علی (۱۳۹۵ش). «معیار نفقه زوجه»، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال بیست و یکم، شماره ۶۵.
- [۵۶]. ولایی، عیسی (۱۳۹۱). *جرایم و مجازات ها در اسلام*، چاپ اول، تهران، مجد.

